

احیای فرهنگ گفتگو و ضرورت همگرایی جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۲۴

ثریا رحیمی^۱

نعیم عموری^۲

چکیده

اوضاع پر تنش جهان اسلام کشورهای اسلامی را در موقعیتی قرار داده که بیش از پیش نیازمند گردهم آمدن و کنار نهادن تفرقه و نزاع، می‌باشند. گفتگو امروزه با توجه به درگیریهای منطقه ای، و ظهور گروههای تکفیری ضرورت بیشتری یافته است. با توجه به این تغییرات و نیز اهمیت آینده بشر بر روی زمین نیاز به تجدید مفهوم گفتگو میان همه فرقه‌های امت اسلامی ملموس تر شده است. از مهمترین عواملی که تهدیدی بزرگ برای همگرایی جهان اسلام به شمار می‌رود، تفرقه ناشی از انگیزه‌های دینی بوده که برخی از حاملان فکر شرعی در آن سهیم هستند. این نوشتار بر آن است تا با استناد به دومنبع قرآن و سنت نبوی، به بررسی ضرورت تجدید گفتگو میان مذاهب اسلامی، آداب گفتگو، همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و راهکارهای پیاده سازی برنامه‌های تقریبی بپردازد.

واژگان کلیدی: اختلاف، تقریب، گفتگوی مذاهب، همگرایی امت اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه علامه طباطبایی

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه چمران اهواز

مقدمه

اتحاد امت اسلام، اصلی بنیادین است که نصوص شرعی بارها بر آن تأکید کرده تا جایی که، به اصلی غیر قابل انکار مبدل گردیده است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ: این امت شماس است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید» (مؤمنون، ۵۲). این اتحاد، رمز عزت و پیروزی امت اسلامی است همانطور که، تفرقه و اختلاف موجبات ضعف مسلمانان را فراهم می‌کند. شکی نیست که جهان اسلام، با نظر به اختلاف طوائف و مذاهب آن، به گفتگویی سازنده که او را از تفرقه و پراکندگی برهاند نیازمند است. گفتگو ضرورتی بشری است؛ تمام جوامع، از گفتگو و تعامل بی‌نیاز نیستند. اسلام پیروان خود را به فراگیری آداب گفتگو و بحث فراخوانده چراکه گفتگو یکی از فنون و روشهای تبادل آراء و رسیدن به تفاهم بوده و شیوه پیامبران، مصلحان و مربیان بشر است. گفتگوی سازنده باید در راستای ایجاد تفاهم و اجتناب از تفرقه باشد. جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند احیای فرهنگ گفتگو می‌باشد تا آدابی را که پابندی به آن برای رسیدن به تفاهم لازم است بازگو نماید. در آغاز، به بررسی اهمیت و ضرورت گفتگو در اتحاد و همبستگی جهان اسلام پرداخته می‌شود. سپس، آداب گفتگو و حل اختلافات میان امت اسلام و راهکارهای تفاهم و تقرب مسلمانان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اهمیت و ضرورت گفتگوی مذاهب اسلامی

نیاز به گفتگو و تفاهم در حیات معاصر پررنگتر شده است. این نتیجه تغییرات عمیق در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان در دوره معاصر است. این دگرگونیها در جامعه تحت لوای شکل‌گیری دولتهای جدید و بالا گرفتن اختلافات و تنشها و نیز درگیری میان اقلیتهای مذهبی، قومی و نژادی در داخل یک کشور ظهور یافته و بیشتر منجر به جنگهایی شده که قربانی آن، خود انسان، حق حیات، حقوق و کرامت اوست.

آمارها نشان می‌دهند که درگیریها و اختلافات داخلی جهان اسلام، بیش از درگیری با دشمن خارجی، کشورهای اسلامی را متحمل زیان نموده، نیروی آنها را کاسته و ناتوان کرده

است. همانطور که روند جهانی شدن و رهبری تک قطبی آمریکا ظهور یافته است. قرار دادن اسلام در موضع دشمن جدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، این قطب را به ضرورت وارد جنگی کرده که تنها یک نبرد نظامی نبوده بلکه، جنگی روحی، روانی، ارزشی و اعتقادی است؛ که لزوم کنار گذاشتن اختلافات مذهبی میان مسلمانان و اتحاد جهان اسلام را می‌طلبد (بن همت، ۲۱۱-۲۱۲). مسلمانان برای جنگها و اختلافات داخلی خود بهای بیشتری را پرداخت کرده‌اند. بنابراین، طرح گفتگو، همزیستی مسالمت آمیز و اتحاد مسلمانان تنها به این معنا نیست که مذاهب اسلامی اختلافات خود را کنار گذاشته و بر اصول مشترک میان خود گردآیند، بلکه حتی یک جنبه مهم این امر را می‌توان بازسازی بنیان اقتصادی جهان اسلام و تقویت اقتصاد کشورهای اسلامی دانست.

گفتگو مقدمه و پیش فرض تقریب و مسیر رسیدن به اشتراکات و کنار نهادن درگیریها است و راهی برای پیوستگی و ارتباط علما، فقها، سیاستمداران و خصوصا پیوند علمای شریعت است تا فاصله اختلاف میان مسلمانان را کم کرده و به حداقل برسانند. گفتگو موجب آشنایی مسلمانان با دیدگاه و تفکر یکدیگر است و هنگامی که مسلمانی با یک منهج فکری و مذهبی خاص با مسلمانی از مذهب دیگر هم کلام شده و به گفتگو می‌پردازد، همین دیدار و بحث، در صورتی که آداب گفتگو در آن رعایت گردد، می‌تواند آنها را با تفکر یکدیگر آشنا نموده و دیدگاهشان را به هم نزدیک گرداند. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ؛ اندیشه‌ها را با یکدیگر رودررو کنید، تا آنچه صواب است به دست آید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ۲۲۴/۱)

برخی از علما معتقدند که عوامل اختلاف انگیز بر جهان اسلام سایه افکننده و بر روابط میان مسلمانان اثر می‌گذارد. بنابراین، درگیری و تفرقه اجتناب ناپذیر بوده و کماکان ادامه خواهد داشت و پیروزی در نهایت از آن طرفی خواهد بود که قدرتمندتر است. برخی دیگر معتقدند که گفتگوی صحیح و سازنده تنها راه برای حل اختلافات و درگیریها و برپایی روابط بر مبنای اصول انسانی خواهد بود که خود منجر به پیشرفت و علو انسان و رفتار و منش او شده و او را از گرفتاریهای جنگ و مصیبت‌های ناشی از آن در امان می‌دارد.

لذا این سؤال مطرح می‌شود که: آیا وجود اختلاف میان مسلمانان می‌تواند مانع تعامل و همدلی آنها باشد و یا باوجود این اختلافات راه برای گفتگو باز است؟ چه روشهایی برای یک گفتگوی سالم و سازنده که بتواند مسلمانان را به نتیجه‌ای مطلوب برساند وجود دارد؟ قرآن و سنت شریف نبوی چه راهی را در این زمینه پیش روی مسلمانان قرار می‌دهند؟

راهکارهای قرآن و سنت نبوی برای یک گفتگوی سازنده

گفتگوی میان مذاهب و ادیان امری نوظهور نیست. گفتگو یکی از شیوه‌های دعوت مردم به بندگی خداوند و روشی برای اصلاح جامعه انسانی از فساد است. اسلام با تمدن و فرهنگ جاودان خود مملو از تطبیق گفتگو در شؤون دین و دنیا میان تمام ابنای بشر می‌باشد. قرآن و سنت نبوی، اصول و پایه‌های گفتگو را برای همه انسانها ترسیم کرده است. قرآن کریم در آیات بسیاری به گفتگوی سازنده و هدفدار با غیر مسلمانان خصوصا مسیحیان و یهودیان برای بیان حق و زدودن ابهامات در موضوعات مختلف اشاره کرده است. خدوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ: بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا په خدایی نگیرد» (آل عمران، ۶۴). وقتی قرآن میان اهل کتاب و مسلمانان قایل به اشتراک بوده و آنها را به صلح و گفتگو فرامی‌خواند، چگونه می‌توان تصور نمود مسلمانانی که به خدا و پیامبر او ایمان آورده، یک قبله مشترک دارند و در اصول دین خود با هم اختلافی نداشته و تنها اختلافشان در فروع است، گفتگوهایشان به شکست بینجامد؟

اختلاف در فروع امری مذموم نیست و این اختلاف رحمتی از جانب خدا برای امت اسلامی است و سبب وسعت شریعت اسلام می‌گردد. زیرا باب اجتهاد را برای مجتهدان می‌گشاید. دین اسلام مجتهد را از اجتهاد حتی اگر به خطا برود، محروم نکرده و معنی وسعت رحمت الهی همین است. البته این گفته به این معنا نیست که تمامی آراء صحیح می‌باشد، اما همه مجتهدان مأجور و کارشان محمود است (قرضاوی، ۵۰-۵۱).

با توجه به دستورات صریح قرآن و تاکید احادیث نبوی بر همگرایی جهان اسلام و حساسیت نسبت به کاستی‌ها و مشکلات مسلمانان، عالمان و عموم مردم، از هر فرقه‌ای، در صورتی بروز مشکل برای هر مسلمانی در هر جای جهان موظف به حمایت از او هستند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس شب را روز کند بدون اینکه قصدش رسیدگی به امور مسلمانان و اصلاح کارهای آنان باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۶۳/۲) قرآن کریم نیز در آیات متعدد، اصل اخوت و برادری اسلامی را تاکید مینماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید» (حجرات، ۱۰). این آیه اصل صلح و اصلاح میان مسلمانان را در دایره برادری اسلامی مقرر داشته و آنان را از پراکندگی و ازهم گسیختن برحذر می‌دارد. در جای دیگر می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند» (فتح، ۲۹). این آیه بیان کننده اصل رحمت و شفقت میان مؤمنان است. قرآن کریم یکی از محوری‌ترین اهداف رسالت رسول اکرم (ص) را تألیف قلوب و ایجاد انس و تفاهم به جای خصومت و دشمنی بیان می‌کند «وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید» (آل عمران، ۱۰۳). بنابراین، برادری و همبستگی مسلمانان از اصول و بن مایه‌های اخلاق اسلامی است و مضمونی حقیقی و بنیادین را دربر دارد نه اینکه تنها جنبه تشویق و تنبیه داشته باشد. اهمیت گفتگو از منظر سیاسی کمتر از اهمیت آن از منظر دینی نیست، بلکه کاملاً بر آن تأثیر می‌گذارد. اختلاف و تنش میان مسلمانان، مهم‌ترین زمینه را برای نفوذ و دخالت کشورهای غربی در امور داخلی آنان فراهم می‌کند. دامن زدن به اختلافات میان مسلمانان، همواره یکی از سیاست‌های رایج استعمار در جهان اسلام بوده است و کشورهای استعمارگر، هزینه این دخالت را از جیب خود مسلمانان پرداخت کرده و از اختلافات، به نفع منافع خود بهره برده‌اند. اتفاقات چند قرن اخیر و چگونگی بروز اختلافات و دامن زدن به آن‌ها از طرف جهان کفر و پراکنده کردن مسلمانان، همگی درس‌های آموزنده و روشنی هستند که راهی جز

فرو گذاشتن اختلافات و کور کردن زمینه‌های نفوذ دشمن، باقی نمی‌گذارند. اتحاد مسلمانان و پرهیز از تفرقه و دشمنی میان آنان، همواره پیشگامان تقریب میان مذاهب اسلامی بوده است. «متأسفانه حیات و میدان زندگی مسلمانانی که عقیده واحدی دارند، حیات و میدان زندگی افرادی متخاصم و دشمن سرسخت شده است که در بحث و جدال، همچون افراد جاهل و نادان سخن را از حد می‌گذرانند، بدان گونه که گویی زد و خورد و شمشیر روی هم کشیدن در بحث‌های علمی، از آداب بحث و مناظره به شمار می‌رود یا قاطع‌ترین دلیل است! و این چیزی است که کینه‌های درونی را تحریک می‌کند. این وضع از یک طرف انسان را به تفکر دعوت میکند و از طرف دیگر هم غم و تأسف را برمی‌انگیزد» (شرف الدین موسوی، ۳۱-۳۲). سیاستی که کشورهای غربی دنبال می‌کنند، تسلط بر منطقه است و در مسیر این سیاست، با ایجاد درگیری میان مسلمانان و دامن زدن به اختلافات برای پیشبرد اهداف خود گام برمی‌دارند.

هرچند خطر دشمن خارجی برای امت اسلامی مهم و غیرقابل انکار است اما، حرکت تقریب و همبستگی مسلمانان تنها به منظور مقابله با دشمن خارجی، نمی‌تواند اهداف بنیادین و حیاتی آن را فراهم کند. چرا که چنین حرکتی به یک وسیله و نه هدف تبدیل خواهد شد. زیرا، به جای یافتن راه حل‌های ریشه‌ای برای پایان دادن به اختلافات، به دنبال درمان مقطعی آن است. بنابراین، اثرات و نتایج این حرکت موقت بوده و پس از گذشت مدت زمانی و یا به عبارت بهتر پس از تغییر شرایطی که منجر به تعامل و تقریب شده، تاریخ اعتبار آن نیز به سر می‌رسد و اختلافات دوباره جان می‌گیرد. هدف از گفتگو را نباید تنها مقابله با دشمن مشترک دانست، بلکه هدف از آن، زندگی مسالمت آمیز برادران دینی در سایه یک دین واحد است. باید بر اصل اخوت و برادری اسلامی و وحدت و همبستگی مسلمانان در همه زمینه‌ها تأکید گردد. زیرا، با تحقق آن همبستگی سیاسی و اقتصادی مسلمانان و قرار گرفتن آنان در یک جبهه واحد خود به خود محقق می‌شود. بنابراین، همه مسلمانان باید به این باور برسند که با برادران دینی خود دارای مشترکات زیادی بوده و استراتژی و هدف واحدی دارند که همان اعتلای اسلام و مسلمانان است. می‌توان گفت که گفتگو میان پیروان مذاهب اسلامی فرصتی است برای اتحاد و تحکیم صفوف آنان و نیز تبلیغ حقایق دین مبین اسلام برای دیگر ادیان و این گفتگو و همبستگی میان مذاهب

اسلامی، هم به جهت درک مشکلات و تنگناها و هم به جهت ایجاد بستری مناسب برای شناخت دیدگاه‌ها و فرو کاستن از عداوت‌ها و حساسیت‌ها، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مقصود از گفتگو و اتحاد مذاهب اسلامی

مقصود از گفتگوی میان مذاهب اسلامی، مجاب کردن طرف مقابل به تایید نظرات و دیدگاه‌های خود نیست؛ چراکه این امر در واقع از باب مناظره و تلاش برای پیروزی بر دشمن و ناتوان کردن او از ارائه پاسخ است. مقصود از گفتگو در مرحله نخست شناخت دیدگاهی طرف مقابل، برهان‌ها و دلایل تفکر او در موضوعی است که در مورد آن به بحث و گفتگو می‌پردازیم و نیز تشریح دیدگاه خود و ارائه اطلاعات در مورد عقاید و باورهای است که ممکن است طرف مقابل نسبت به آن بی اطلاع بوده و یا تصور واضح و صحیحی از آن نداشته باشد. شناخت متقابل یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین اهداف یک گفتگوی سالم و منطقی است. زیرا، منجر به اصلاح تصاویر و دیدگاه‌های نادرست شده و موجب می‌گردد دو طرف متوجه اشتباه و یا تصور نادرست خود شوند؛ برای اصلاح آن دست به اقدام زنند.

یکی دیگر از اهداف گفتگوی متقابل که در واقع، بر پایه هدف نخست یعنی شناخت صحیح و منطقی از یکدیگر شکل می‌گیرد، ایجاد پلی برای ارتباط سالم و سازنده میان دو طرف است که به تلاش برای همکاری متقابل و بستن راه درمقابل صدمات و کارشکنی‌های افراد سودجو می‌انجامد. یک گفتگوی سازنده باید در راستای اصلاح دیدگاه‌ها و کشف حقیقت باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «الْحِكْمَةُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهِيَ أَحَقُّ بِهَا: همانا دانش راستین گمشده مومن است، هر جا آن را بیابد خودش به آن سزاوارتر است» (الترمذی، ۱۳۴/۴) بنابراین، در صورت آشکار شدن خطا و پی بردن به اشتباه باید درصدد رفع و اصلاح آن برآمده و هدف گفتگو را بازگشت از اشتباه و پیروی از حق و ترک شبهه و تردید قرار داد. یادآوری این نکته ضروری است که تقریب مذاهب اسلامی به معنای کوتاه آمدن یکی از دو طرف و بازگشت او از مذهب و اعتقاد خود نیست تا به مذهب دیگری گردن نهد و بتوان همه مذاهب را در لوای یک مذهب واحد گرد آورد. مقصود این نیست که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شده و

دیگر مذاهب به حاشیه رانده شوند بلکه، مقصود از وحدت میان مسلمانان، نزدیک شدن مذاهب اسلامی به یکدیگر با حفظ کیان و ماهیت آنها است و حفظ اصول مشترک و تکیه بر اصول مورد اتفاق مسلمانان و آزاد گذاشتن پیروان مذاهب مختلف اسلامی در فروع است. تغییر مذهب و عقیده مقصود هیچکدام از دو طرف نیست بلکه، هدف از گفتگو اصلاح تصویر نادرست و از میان بردن جو تنش زای حاصل از سوء ظن و بی اعتمادی حاکم بر افکار دو طرف است. شیخ شلتوت معتقد بود: «مراد ما این نیست که همه را به یک مذهب فرا بخوانیم و مذهب شیعه را در مذهب سنت درآمیازیم یا مذهب سنت را در مذهب شیعه، مراد و هدف ما این است مسلمانان با یکدیگر، همکاری کنند، همکاری مهرورزانه. عصبیت را کنار بگذارند و از هرگونه بدگمانی بپرهیزند. این امر سبب خواهد شد که اندیشه به گونه آزاد شکل یابد و دستیابی به حقیقت بدون ترس و نگرانی امکان پذیر باشد» (رضوی، ۳۴). گفتگو باید نخست برای کشف حق، تبیین حق و دفاع از حق باشد و در آخر باید یک هدف کلی را دنبال کند که آن، اعتلای امت اسلامی و همه مسلمانان از هر مذهبی، چه شیعه و چه سنی است. بنابراین، مقصود از وحدت اسلامی، نه وحدت مذهب است و نه اینکه مشترکات مذاهب اسلامی را اخذ کنیم و مسائل اختلافی آنها را کنار بگذاریم و مذهب جدیدی اختراع کنیم. بلکه مقصود، اتحاد پیروان مذاهب اسلامی در عین اختلافات مذهبی آنها و درک موارد مشترک میان مذاهب و احترام به یکدیگر در موضوعات مورد اختلاف است. با استناد به تاریخ می توان ادعان کرد که گفتگوی منطقی، نه تنها مانع همبستگی مسلمانان نبوده بلکه، موجبات اتحاد و الفت میان آنان را فراهم کرده است. اگر پیشرفتی در جهت وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی پدید آمده، از همین مسیر بوده است.

همزیستی مسالمت آمیز با وجود اختلافات

در هر جامعه و نهادی، از یک خانواده گرفته تا یک روستا، یک شهر، یک امت و در ابعاد بزرگتر میان تمام مردم جهان اختلاف وجود دارد. اختلاف زندگی جزء جداناپذیر حیات است. بسیار طبیعی است که مردم در دیدگاههای خود با هم دچار اختلاف شده و به مبادله آرا و افکار خود بپردازند. برای به دست آوردن تصویری جامع از نگاه قرآن نسبت به مسأله همزیستی و

تعامل انسانها با وجود اختلاف طبایع و دیدگاه‌ها به جستجوی آیاتی می‌پردازیم که حقایق مرتبط با این ابعاد انسانی را بازگو می‌کند. خداوند در قرآن به تنوع و تفاوت طبایع بشری و حقایق تکوینی آفرینش انسان اشاره می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» و از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهای شماست، قطعاً در این امر برای دانشوران نشانه‌هایی است» (روم، ۲۲) و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناخت متقابل حاصل کنید» (حجرات، ۱۳). چنین تفاوت‌هایی در رنگ، نژاد و ملیت، نه مایه امتیاز و برتری جویی بلکه، از نشانه‌های قدرت الهی است و هدف از این تنوع، شناخت متقابل انسان‌ها و همزیستی و تعاون آنها است و گفتگو یکی از لوازم ضروری این شناخت و همزیستی می‌باشد. قرآن کریم از اختلاف انسانها در عقیده و مسلک نیز سخن به میان آورده است: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد» (مائده، ۴۸). در تفسیر این آیه آمده است که: «خداوند می‌توانست همه مردم را امت واحدی قرار دهد و همه را پیرو یک آئین سازد، ولی این با قانون تکامل تدریجی و سیر مراحل مختلف تربیتی سازگار نبود» (مکارم شیرازی، ۴/۴۰۲). در آیاتی از قرآن کریم به موضوع برخورد منافع و مصالح انسانها و اختلاف، نبرد و دفاع آنان از خود برای ادامه حیات اشاره شده است. اختلاف میان طبایع بشری و عقاید و مسالک انسانها، گاهی به برخورد منافع هر گروه می‌انجامد. در قرآن آمده است: «وَلَوْ لَّا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» و اگر خداوند بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد» (حج، ۴۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: منظور از (دفع الله الناس بعضهم ببعض) اعم از جنگ و خونریزی است و دفع گروهی از انسانها توسط گروهی دیگر، در جهت دفاع از منافع و حفظ حق حیات، از سنت‌های فطری جاری میان انسانهاست و شاهد این ادعا این است که، انسان همچون دیگر موجودات از ابزار

هجوم و دفاع و نیز از اندیشه‌ای که او را به استفاده از ابزار دفاع از خود هدایت میکند، برخوردار است و زندگی او با بهره گرفتن از آن دوام یافته و سعادتش بر آن متوقف است (طباطبائی، ۲/۲۹۸).

با رجوع به قرآن می‌توان گفت که هدف از این اختلاف، همزیستی انسانها با وجود تنوع و تفاوت عقاید، مذاهب، فرهنگ و عادات آنان است و نه عاملی برای ایجاد نزاع و تفرقه.

بایدها و نبایدها در گفتگو

گفتگوی سازنده و تقریب مذاهب اسلامی در صورتی محقق خواهد شد که اساس گفتگو بر ضوابطی منطقی و صحیح استوار گردد. آداب گفتگو، که پایبندی به آن بر هر مسلمانی واجب است، بسیارند. اول، نخست باید موضوع گفتگو را مشخص نمود و دایره آن را شناخت. لازم است گفتگو حول یک محور معین و موضوعی مشخص باشد. زیرا، بسیاری از گفتگوها به این دلیل که برای موضوع بحث، نقطه مشخصی که باید به آن دست یافت در نظر گرفته نشده، بدون اینکه نتیجه‌ای از آن حاصل شود، به صورت جدلی عقیم و ناتمام باقی می‌ماند.

دوم، داشتن معلومات دقیق و صحیح در مورد موضوع گفتگو: خداوند متعال میفرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد» (اسراء، ۳۶). بنابراین، شایسته نیست که افراد جاهل و یا کم اطلاع برای گفتگو درباره اشتراکات و اختلافات میان مسلمانان برگزیده شوند. زیرا، اینان فاقد علم و دانش می‌باشند و سرانجام گفتگوی بدون علم و آگاهی، به ایجاد تفرقه و حزب‌گرایی بیشتر می‌انجامد. دانش کم به دستمایه‌ای برای هر کدام از طرف‌های گفتگو مبدل می‌شود تا با تعصب و پیش‌داوری، جانب رأی خود را گرفته و به عقاید طرف مقابل توجهی نکنند. بنابراین، باید زمام گفتگو را به دست علما سپرد و پیروان هر کدام از مذاهب اسلامی، هشیارانه اقدامات دشمنان اسلام را در نفاق و تفرقه و اختلاف افکنی میان مسلمانان خصوصا در رسانه‌ها و فضای مجازی بشناسند. دکتر بی‌آزار شیرازی در مورد خطری که از ناحیه این انسانهای ناآگاه و عالم نما متوجه دین مبین اسلام

و اتحاد امت اسلامی است معتقد است: «اختلاف بین حکومتها استحکام یافت و آتش فتنه میان طوایف شعله ور گشت و وقتی مردم عوام و عالم نما از روی شهوت و خواسته‌های نفسانی (نه از روی علم و یقین) به پشتیبانی از دین برخیزند، نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت» (بی آزار شیرازی، ۵۳). بنابراین، بر هر مسلمانی باید بداند «تهدیدی که از ناحیه سوء تفاهمات بیجا و خوب درک نکردن یکدیگر متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آنان است» (مطهری، ۲۰۴).

سوم، مباحث گفتگو از مهمترین رعایت ادب و احترام به شخصیت طرف مقابل است. سخنان محبت آمیز و رعایت ادب و احترام هنگام گفتگو، می‌تواند جوی سالم را به وجود آورده و موجب حسن نیت طرف‌های گفتگو نسبت به هم شود. نمونه رعایت این ادب و احترام متقابل را می‌توان در کتاب «المراجعات» که حاوی مکاتبات و بحث‌های شیخ شرف الدین موسوی و سلیم بشری، دو تن از پیشگامان وحدت میان مذاهب اسلامی است مشاهده نمود. امام علی (ع) درخصوص رعایت ادب در کلام میفرماید: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ: زیبا سخن بگوئید، تا پاسخ زیبا بشنوید» (الآمدی، ۲۵۶۸).

چهارمین ویژگی، گفتگوی آرام و مسالمت آمیز می‌باشد. از بارزترین اخلاقیات گفتگو طبق آنچه که در قرآن کریم آمده است، پایبندی مسلمانان به اصل گفتگوی نرم و دوری گزیدن از خشونت و تندی در بحث است. خداوند متعال میفرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است بحث کن» (نحل، ۱۲۵). گفتگوی آرام و مسالمت آمیز، قلب‌ها را برای پذیرش حق و اذعان به آن آماده می‌کند و موجب می‌شود کلام بر دل نشست و در روان تاثیر گذارد، این درحالی است که خشونت، منجر به ایجاد تنفر و از میان رفتن اعتماد به طرف مقابل و رد صحبت‌های او می‌گردد.

آخرین ویژگی، آزادی بیان و شجاعت در بیان اختلاف است. مشکل وجود اختلاف میان مذاهب اسلامی نیست بلکه، چگونگی برداشت و فهم اختلاف و کنار آمدن با آن است. هر کدام از دو طرف، باید این حق را داشته باشند که عقاید و آراء گوناگونی که بر آنان عرضه

می‌شود، پذیرفته یا رد کنند. آزادی در اسلام مقدس و مورد احترام است حتی در انتخاب عقیده: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است» (بقره، ۲۵۶). «دعوت گران دینی بایستی به شدت از آنچه برخی تنگ نظران متعصب و خشونت طلبان بدبین بدان می‌اندیشند برحذر باشند. زیرا چنین افرادی نه تنها نسبت به عامه مردم بلکه حتی نسبت به برادران دینی خود نیز ترحم نمی‌کنند. اگر مسلمانی خلاف اندیشه و فکر آنان گام بردارد نهایت عناد و دشمنی را بر وی روا می‌دارند و جالب اینکه با این عناد خویش به خداوند تقرب می‌جویند» (قرضاوی، ۱۷۰).

آنچه بیان شد، بنیانهای اسلام برای ترسیم روابط انسانی و اسلامی است که اگر دولتها در روابط میان خود به این بنیانها پایبند باشند، گامی صحیح در حل مشکلات و دستیابی به تعاون میان خود خواهند داشت. یافتن اصول گفتگو و اتحاد در قرآن کریم و منابع حدیثی دشوار نیست و به وضوح می‌توان نمونه‌های آن را در این دو منبع گرانقدر یافت، اما، مسأله مهم و حیاتی عمل به این اصول و راهکارها و درنهایت، رسیدن به نتیجه مطلوب یعنی همبستگی جهان اسلام است.

پیاده سازی طرح تقریب و همگرایی جهان اسلام

اتحاد مذاهب، جمع میان معتقدات مورد اختلاف نیست بلکه، هدف از آن اشاعه جو الفت و تعاون و کنار نهادن تعصب و نزاع است و این امری است که محقق ساختن آن امکان پذیر است. فطرت بشر نیز متمایل به این توافق و اتحاد است به ویژه، زمانی که علما برای ایجاد فضای تفاهم و همبستگی، که بر احترام و پذیرش یکدیگر، قبول همزیستی با پیروان دیگر مذاهب امت اسلامی استوار است، تلاش کنند. توصیه کنفرانسهای تقریب مذاهب اسلامی و بیانیه‌های مجامع علمی، باید عملی شود. پیاده سازی این بیانیه‌ها، حرکتی مهم و حیاتی در طرح تقریب است. اگر علما از سوی توده مردم پشتیبانی نشوند و بیانیه‌های آنان مورد تایید و حمایت مردم قرار نگیرد، طرح تقریب با شکست روبرو خواهد شد. بنابراین، ارتباط میان رهبران و عامه مردم، در فهم معنی تقریب و ایجاد جو تسامح و تفاهم میان مذاهب مختلف اسلامی سهمی عظیم خواهد داشت. باید گفتگو میان علمای متخصص و روشنفکر در جهت شناسایی نقاط اختلاف و دوری

گزیدن از آن و شناخت نقاط اتفاق و فعال سازی آن شکل گیرد. همچنین مباحث تفرقه برانگیز در فضای عامه منتشر نشده و تاکید نگردد و از سوی مقابل، مسائل مشترک و مورد اتفاق انتشار یابد تا بذر اعتماد میان پیروان مذاهب مختلف جاری شود. از سوی دیگر، باید افراد جاهل و بی اطلاع را از همه سو، چه در شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و چه در فضای مجازی کنار نهاد تا در مسائلی که مربوط به آنها نیست و چیزی از آن نمی دانند ورود نیافته و دخالت نکنند. مسلمانان باید عوامل تفرقه افکن و دست‌های پشت پرده‌ی اختلاف را شناخته و از موضع واحدی سخن بگویند و با یک استراتژی مشترک با برنامه‌های دشمن مقابله کنند. حسن نیت و احساس خطر در مقابل دشمنان اسلام و مسلمین و فهم اهداف مشترک آنان از مهمترین مسائلی است که باید در گفتگو و تقریب مذاهب مورد توجه قرار گیرد. قدرتهای استعمارگر، از عوامل اصلی تفرقه و جدائی مسلمانان بوده و در نزاع‌های فرقه‌ای نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند بنابراین، در رابطه با آنان، باید از حسن ظن و ساده اندیشی اجتناب کرد و دست نامرئی استعمار را در پشت این صحنه‌های تکفیر، جنگ‌های قومی و فرقه‌ای جستجو نموده و آمادگی لازم را برای خنثی کردن این توطئه‌ها در امت اسلامی به وجود آورد. یکی از عظیم‌ترین جلوه‌های اتحاد امت اسلام، آیین عبادی حج است که همه ساله میلیونها نفر از مسلمانان را گرد هم می‌آورد. بی جهت نیست که «گلدستون» به این حقیقت اعتراف نموده و می‌گوید: «تا قرآن خوانده می‌شود و نام محمد بر سر زبان هاست و حج کعبه گذارده می‌شود، نصرانیت در خطر بزرگی قرار دارد.» (جاوید موسوی، ۱۳۶). اعتصام به جبل الله در آیین حج موجب کنار نهادن تعصبات و اتحاد و یکپارچگی مسلمانان در اعمال عبادی خود است و این اتحاد و یکرنگی خط بطلانی است بر گفته دشمنان اسلام که: اسلام دین واحدی نیست بلکه ادیان متعددی می‌باشد که در اقلیم‌های گوناگون، متنوع و متفاوت است. مثلاً ترکیه یک اسلام و ایران و پاکستان و مصر هر کدام اسلامی دارند و اسلام بلاد مغرب و حجاز متفاوت است (شلتوت، ۱۳۳). باید واژه تکفیر را از فرهنگ لغت روابط میان مسلمانان حذف نمود. گروه‌های تکفیری را سیاست قدرتهای استعماری، جهل و قدرت طلبی عالم نماها و ناآگاهی عوام به وجود آورده است و اگر مدعیان دفاع از اسلام با ظاهری روحانی در جامعه ظهور کنند، مقابله با آنان سختی را دوچندان می‌کند زیرا جو شبهه و

تردید را در میان مردم پراکنده و تشخیص دوست و دشمن را دشوار می‌گردانند. «مهمترین خطری که یک امت را تهدید می‌کند و در معرض هر خطری قرار می‌دهد و همینطور آن را شکار منافقان و بازیچه بازیگران می‌گرداند، عدم آگاهی آن امت، شیفته شدن به هر فراخوانی، همسو شدن با هر موجی، پیروی از هر سلطه‌گری، سکوت بر هر فاجعه‌ای و تحمل هر ستمی است و اینکه امور خویش را درک نکند، هرچیزی را سرچایش نگذارد، دوست را از دشمن و خیرخواه را از فریبکار تشخیص ندهد» (الندوی، ۳۵۳). درصحیح بخاری از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده است که: «إِذَا قَالُوا لَنَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ؛ اگر کسانی که با آنان می‌جنگم بگویند: "لا اله الا الله" جان و مال خود را مصونیت بخشیده‌اند» (بخاری، ۱۱۲). بر اساس قواعد و موازینی که از این حدیث و امثال آن استنباط و استخراج می‌گردد، جان و مال همه کسانی که به وحدانیت خدا و رسالت رسول (ص) گواهی دهند، از تعرض مصون است. بنابراین، نباید اختلاف در فروع منجر به تکفیر طرف مقابل شود. رسانه‌های ملی باید بیانیه‌ها و تصمیمات مشترکی را که برای مسائل سرنوشت ساز جهان اسلام گرفته می‌شود انتشار دهند و نیز لازم است نشریه‌های دوره‌ای حامی وحدت اسلامی در جهت نزدیکی و هماهنگی مذاهب به ویژه در مسائل مربوط به اتحاد سیاسی مسلمانان منتشر شوند.

نتیجه:

هر طرح و برنامه‌ای که در پی دستیابی به هدفی معین است، نیازمند پیش فرضها و مقدماتی است که رعایت آن برای رسیدن به هدف مطلوب الزامی است. طرح تقریب و گفتگوی مذاهب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. همانطور که بیان گشت، قرآن کریم، سنت شریف نبوی و سیره سلف صالح، گفتگوی منطقی و مسالمت آمیز میان برادران دینی را تاکید کرده است و برای آن آداب و مقدماتی را در نظر گرفته که رعایت آن برای رسیدن به نتیجه مطلوب یعنی همبستگی مسلمانان لازم و ضروری است. هدف نهایی گفتگو را نیز اتحاد امت اسلام و اشاعه جو الفت و تعاون میان مسلمانان تحت لوای یک دین واحد برمی‌شمارد. رعایت آداب گفتگو شرط لازم در گفتگوهای میان مذاهب اسلامی است. برای دستیابی به ثمره این نشست‌ها

وگفتگوها، باید طرح‌های تقریبی را از مقام نظر به مقام عمل رساند و آن را در جامعه اسلامی فعال ساخته و پیاده نمود. مسلمانان باید به اصل اتحاد امت اسلام و پرهیز از تفرقه و درگیری میان مسلمانان پایبند بوده و بدانند که عزت آنان در گرو عمل به فرمان الهی اخوت و برداری دینی است. گفتگو میان پیروان مذاهب اسلامی فرصت عظیمی است برای اتحاد و تحکیم صفوف آنان و نیز تبلیغ حقایق دین مبین اسلام برای دیگر ادیان. ناآگاهی و غفلت مسلمانان از یک سو و توطئه دشمنان اسلام از سوی دیگر، چهره دین مبین اسلام را مخدوش نموده و موجب ترسیم تصویری ناصحیح از شریعت محمدی در ذهن پیروان دیگر ادیان شده است. گفتگو و همگرایی جهان اسلام، هم در مسیر درک چالش‌های فراروی امت اسلامی و هم به جهت ایجاد جوی سالم و منطقی برای شناخت عقاید و فرونشاندن آتش اختلافات و کشمکشها، امری ضروری و غیر قابل انکار است. بنابراین، باید علمای اسلام کنارهم ایستاده و از یک موضع مشترک با کارشکنی‌ها و تفرقه افکنی‌های پیش رو مقابله کنند و امت اسلام نیز به حمایت از نخبگان و علمای دینی خود، در صفی واحد به خنثی کردن دسیسه‌های دشمنان برخیزند.

منابع:

۳۱. قرآن کریم
۳۲. الأمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۸۳)، گزیده غرر الحکم و درر الکلم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۳۳. البخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق)، صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، قاهره، دار طوق النجاة.
۳۴. بن همت (شکور باشا زاده)، (۲۰۰۵ م)، التقرب بين المذاهب الإسلامية، مجلة رسالة التقريب، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب، تهران، شماره ۵۰.
۳۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۵۴)، اسلام آئین همبستگی، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.
۳۶. الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، (۱۹۹۴ م)، سنن الترمذی، تحقیق صدقی محمد جمیل العطار، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

۳۷. جاوید موسوی، سید حمید، (۱۳۸۶)، اتحاد اسلامی در آثار آیت الله شهید مطهری، تهران، صدرا.
۳۸. الجوزیه، ابن قیم، (۱۹۷۳ م)، مدارج السالکین، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت، دارالکتب العربی.
۳۹. الحسنی الندوی، ابوالحسن علی، (۱۳۸۸)، کندوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان، ترجمه عبدالحکیم عثمانی، تهران، نشر احسان.
۴۰. رضوی، سید مرتضی، (۱۴۰۰ ق)، الوحدة الاسلامیة، قاهره، مطبوعات النجاح بالقاهرة.
۴۱. الطباطبائی، سید محمد حسین، (۱۹۹۱ م)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۲. شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین، (۱۳۸۷)، المراجعات، ترجمه محمد جعفر امامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۳. شلتوت، محمود، (۲۰۰۱ م)، الاسلام عقیدة و شریعة، دارالشروق، قاهره، چاپ هجدهم.
۴۴. الغزالی، أبو حامد، إحياء علوم الدين، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۴۵. قرضاوی، یوسف، (۱۳۹۰)، گفتمان دینی در عصر ارتباطات، ترجمه عبدالصمد مرتضوی، تهران، نشر احسان، تهران.
۴۶. همان، بیداری اسلامی و فرهنگ اختلاف، ترجمه عمر قادری، سندنج، نشر مترجم، بی تا.
۴۷. الكلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، بی تا.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۲ ق)، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران، دارالکتب اسلامیة.
۴۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.